

محک زدن توان میانجیگری دهلی نو در سفر وزیر امور خارجه هند به ایران و آمریکا

گفت و گو از عبدالرحمن فتح الهی، عضو تحریریه دیپلماسی ایرانی

دیپلماسی ایرانی - نوزدهمین نشست کمیسیون مشترک اقتصادی بین ایران و هند در نخستین روز زمستان (یکشنبه) به ریاست محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان برگزار شد. سابرمانیام جایشانکار، وزیر امور خارجه هند که برای شرکت در این نشست به ایران سفر کرده بود در سه دور با ظریف رایزنی کرده است. او همچنین روز گذشته با حسن روحانی، رئیس جمهور کشورمان به دیدار و گفت‌وگو پرداخت. در ادامه وزیر امور خارجه هند با علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی کشور در دبیرخانه این شورا دیدار کرد. اما هدف یا اهداف سفر وزیر امور خارجه هندوستان به ایران چیست؟ دیپلماسی ایرانی برای بررسی این مسئله، گفت‌وگویی را با پیرمحمد ملازهی، کارشناس و تحلیلگر مسائل شبه‌قاره ترتیب داده است که در ادامه از نظر می‌گذرانید:

با توجه به اینکه مناسبات تهران و دهلی‌نو به خصوص در بُعد اقتصادی و تجاری تابعی از مناسبات ایران و ایالات متحده آمریکاست، سفر سوبرامانیام جایشانکار، وزیر امور خارجه هند به ایران به منظور برگزاری نشست کمیسیون مشترک اقتصادی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا این ماموریت در تضاد با سیاست تحریمی آمریکا قرار ندارد؟

خیر، چون این سفر بیشتر پیگیری منافع هند در بندر چابهار است. همانگونه که شما به درستی اشاره کردید مناسبات ایران و هندوستان به ویژه در بعد تجاری یقیناً در بستر میزان تنش میان تهران و واشنگتن تعیین می‌شود. در این راستا هندی‌ها منتظرند که گفت‌وگوها و مناسبات برجامی چه آینده‌ای پیدا خواهد کرد. اما با توجه به سفر اخیر آقای روحانی به ژاپن و همچنین تمایل برخی کشورها مانند عمان، ژاپن و سوئیس برای میانجیگری میان ایران و آمریکا و نیز برخی پالس‌های مثبت از سوی کاخ سفید برای ارسال دارو و غذا به ایران از طریق کانال مدنظر سوئیس، فضای مثبت، ولو نامطمئنی را برای کاهش تنش شکل داده است. در این فضا هندوستان سعی می‌کند از تغییر شرایط نهایت استفاده را ببرد تا بتواند حداقل در خصوص مهمترین دغدغه خود یعنی بندر چابهار به منافع مدنظرش دست پیدا کند. لذا اگر هندی‌ها بتوانند ایالات متحده آمریکا را در خصوص همکاری تهران - دهلی‌نو بر سر بندر چابهار به اقناع برسانند، تا اندازه‌ای می‌توان گفت بخشی از روابط تجاری هندوستان با ایران حفظ می‌شود.

از طرف دیگر واقعیت این است که اکنون به دلایل مختلف ایالات متحده آمریکا حساسیت جدی روی مناسبات تجاری ایران و هندوستان تنها بر سر مسئله بندر چابهار ندارد. لذا ما شاهدیم که آمریکا از زمان آغاز فشارها، بندر چابهار را از تحریم‌های خود معاف کرده است. این در حالی است که اخیراً کاخ سفید معافیت فروش نفت برای هندوستان را هم ملغی کرد و این کشور نیز به تبع تحریم‌ها، خرید نفت خود از ایران را به حالت تعلیق درآورد و از کشورهای دیگری مانند امارات و عربستان سعودی نیازهای نفتی خود را تامین می‌کند. لذا اگر مجموعه این شرایط را در نظر بگیریم سیاست ایالات متحده آمریکا کماکان همان سیاست فشار حداکثری برای محدود کردن ایران است، اما در خصوص چابهار چنین نگاهی از طرف کاخ سفید پی گرفته نمی‌شود. در همین چارچوب است که اکنون هندوستان سعی می‌کند با افزایش مناسبات خود با ایران و همچنین رفت و آمدهای دیپلماتیک پیرامون بندر چابهار، اهداف و منافع تجاری و اقتصادی خود را پی بگیرد. لذا نباید اینگونه قلمداد کرد که مناسبات تجاری کنونی ایران و هندوستان در خصوص مسئله فروش نفت و نظایر آن است. بلکه اکنون دغدغه هند تنها بندر چابهار است. یعنی در حقیقت اکنون هندوستان حاضر شده است از امتیاز خرید نفت از ایران، ذیل تحریم‌ها بگذرد تا بتواند رضایت آمریکا را در خصوص حضور هندوستان در بندر چابهار داشته باشد که دهلی‌نو از طریق افزایش مناسبات اقتصادی در این بندر نفوذ خود را در افغانستان و آسیای میانه بیش از پیش گسترش دهد. پیرو همین مسئله رسانه‌های هندی نیز به نقل از وزیر امور خارجه این کشور گزارش دادند که تهران و دهلی در جریان سفر جایشانکار به ایران برای تسریع پروژه بندر چابهار با یکدیگر به توافق رسیده‌اند.

با تمام این تفاسیر آیا سفر وزیر امور خارجه هند که اولین سفر وی از زمان آغاز فعالیت او به عنوان رئیس دستگاه دیپلماسی این کشور است تنها در چهارچوب پیگیری اهداف و منافع دهلی نو در بندر چابهار خلاصه می شود، آن هم در شرایطی که مناسبات دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی دو کشور فراتر از یک بندر است؟

یقیناً روابط ایران و هندوستان، روابطی بسیار جدی و راهبردی است، اما هندوستان بنا به منافع خود در شرایط کنونی ناچار است که از تحریم های ایالات متحده آمریکا تبعیت کند و تنها از معافیت تحریمی بندر چابهار استفاده کند. با این وجود و در پاسخ دقیق تر به سوال شما باید گفت که علاوه بر پیگیری اهداف و منافع دهلی نو در بندر چابهار دو نکته دیگر و یا دو مأموریت دیگر در سفر وزیر امور خارجه هندوستان به ایران وجود دارد؛ اولین نکته به تحولات داخلی این کشور بازمی گردد. به هر حال پس از آغاز اعتراضات مردمی در هند به واسطه دادن تابعیت به اقلیت های دینی غیر مسلمان در این کشور که تاکنون نزدیک به 30 کشته در پی داشته است، سبب شد تا هندوستان برای تغییر این شرایط وزیر امور خارجه خود را مأمور کند تا به ایران سفری داشته باشد. چون این سفر می تواند در فروکش کردن خشم مسلمانان هندوستان و مدیریت اعتراضات اثرگذار باشد. چرا که با توجه به نگاه مسلمانان هندوستان به جمهوری اسلامی ایران این سفر برای مقامات دهلی نو در فروکش کردن اعتراضات بسیار حائز اهمیت است. نکته دوم در بردارنده این واقعیت است که اگرچه هندوستان در تلاش است که از خطوط قرمز تحریمی ایالات متحده آمریکا عبور نکند، اما سعی دارد مانند ژاپن، عمان و سوئیس رایزنی های میانجیگریانه خود را در خصوص کاهش تنش میان ایران و ایالات متحده آمریکا داشته باشد. لذا هندوستان با سفر وزیر امور خارجه خود به تهران و رایزنی های دیپلماتیک در این راستا سعی کرده است که توان سیاسی خود را برای میانجیگری در کاهش تنش مینا ایران و آمریکا محک بزند.

در راستای نکات شما آیا سفر اخیر سوبرامانیام جایشانکار، وزیر امور خارجه هند به واشنگتن که اتفاقاً قبل از سفر وی به تهران بوده با مأموریت سنجش توان سیاسی و دیپلماتیک دهلی نو برای میانجیگری صورت گرفته است؟

این سفر، هم می تواند در این راستا قابل ارزیابی باشد و هم می تواند در قالب کسب تکلیف از واشنگتن برای سفر به ایران هم تحلیل شود. به هر حال یک سر این تنش ایالات متحده آمریکاست. لذا هندوستان برای اینکه سطح آمادگی خود را برای میانجیگری و آشتی جویی محک بزند باید بتواند با هر دو سر تنش یعنی تهران و واشنگتن گفت گو کند. اما در عین حال من معتقدم سفر اخیر وزیر امور خارجه هندوستان به آمریکا، قبل از سفر وی به ایران، می تواند در راستای گرفتن چراغ سبز هندی ها از کاخ سفید برای رایزنی در خصوص مسائل بندر چابهار باشد و تا هندی ها بدانند در دیدار با مقامات ایرانی می توانند در خصوص چه مسائلی به توافق برسند. یعنی هندوستان قبل از اینکه رایزنی های خود را با ایران انجام دهد از پیش موضوعات مدنظر خود را با سران و مقامات واشنگتن چک کرده است.

در این میان نکته بسیار مهمی که وجود دارد این است که بسیاری از کارشناسان، من جمله خود شما معتقدید که ایالات متحده آمریکا به دلیل رقابت اقتصادی با چین سعی کرده است این معافیت تحریمی را برای هندوستان در بندر چابهار قائل شود تا بتواند در برابر حضور چینی ها در بندر گوادر پاکستان عرض اندام کند. اما این پارامتر تا چه اندازه می تواند تضمین کننده تداوم معافیت های تحریمی آمریکا در خصوص بندر چابهار باشد؟ آیا جمهوری اسلامی ایران تنها روی همین پارامتر می تواند انتظار داشته باشد که حضور هندی ها در چابهار طولانی مدت باشد؟

همانگونه که در مصاحبه پیشین با دیپلماسی ایرانی عنوان کردم اکنون دو نگاه در خصوص بندر گوادر پاکستان و بندر چابهار در ایران وجود دارد؛ یک نگاه قائل به این است که این دو بندر رقیب همدیگر هستند و نگاه دیگر معتقد است این دو بندر می توانند مکمل همدیگر باشند و ظرفیت های همدیگر را تقویت کنند. در این راستا چین با یک برنامه جاه طلبانه به نام "جاده ابریشم جدید" سراغ بندر گوادر پاکستان رفته و در این راستا معتقد است که بندر چابهار نیز می تواند مکمل طرح های پکن در خصوص جاده ابریشم جدید باشد. حتی اخباری هم دال بر این وجود دارد که چین به دنبال احداث پایگاه های نظامی در اطراف بندر گوادر پاکستان است. از این رو چینی

ها سعی می کنند به همان اندازه که نفوذ خود را در بندر گوادر پاکستان تقویت کرده اند، حضور جدی هم در بندر چابهار داشته باشند. در این راستا چین پیشنهاد کرده است که به هزینه خود یک خط آهن مشترک از بندر گوادر تا بندر چابهار در ایران کشیده شود که بتواند نفوذ زمینی خود را از جاده قره قروم به بندر گوادر و بعد از آن طریق بندر چابهار داشته باشد تا به بخشی از بازارهای خاورمیانه و بعد از آن اروپا دسترسی پیدا کند. از طرف دیگر نفوذ خود را از طریق افغانستان به آسیای میانه بکشاند. اما در آن سو ایالات متحده آمریکا سعی می کند با تداوم فضای رقابتی و افزایش نفوذ به هندوستان و افغانستان در چابهار مانع از حضور چین و پاکستان در بندر چابهار شود تا در نهایت برنامه مهم چین (جاده ابریشم جدید) را به شکست بکشاند. اتفاقاً با همین معافیت های تحریمی آمریکا است که اکنون هندوستان انگیزه جدی برای افزایش نفوذ در بندر چابهار پیدا کرده است تا بتواند نگاه رقابتی مد نظر ایالات متحده آمریکا در بندر چابهار داشته باشد. از طرف دیگر دو کشور پاکستان و چین با هم مصرانه از افغانستان، ایران و روسیه خواسته اند تا به کریدور اقتصادی مد نظر پکن برای سود دو جانبه ملحق شوند. هند با کریدور اقتصادی چین و پاکستان مخالف است، زیرا این پروژه در قلمرو مورد اختلاف در گیلگیت- بلتستان و کشمیر پاکستان (PoK) در حال ساخت است.

در این میان آیا ایران می تواند میان دو نگاه حاضر در خصوص دو بندر گوادر و چابهار به نگاه سومی دست یابد و یا این که تهران نیز ناگزیر به پذیرش یکی از این دو نگاه است؟ اساساً نگاه مطلوب از منظر ایران باید کدام نگاه باشد؛ نگاه رقابتی یا نگاه مکمل بودن گوادر و چابهار؟

مسئله مهم اهمیت استراتژیک بندر گوادر پاکستان و بندر چابهار است. یعنی این دو بندر اکنون دو نقطه ثقل در رقابت جدی تجاری - اقتصادی و حتی امنیتی و نظامی ایالات متحده آمریکا با چین به شمار میروند. چون گوادر در استراتژی بزرگ چین، پایگاه مهمی به شمار می رود که بخشی از استراتژی رشته مروارید آن برای اقیانوس های هند و آرام است. در این راستا دیگر "مرواریدها" این رشته در جنوب آسیا شامل بندر کیاکیپا در میانمار و بندر هامبانتوتا در سریلانکا می شوند. مالدیو نیز با چین برای اجاره درازمدت یک بندر مذاکره کرده است. استراتژی دریایی چین کاملاً از نظریه تسلط بر دریای "ماهان" پیروی میکند. فرضیه "ماهان" این بود که هر کسی که اقیانوس هند را کنترل کند، بر سراسر آسیا تسلط پیدا خواهد کرد. نیروی دریایی چین به سرعت در حال گسترش است و آشکارا بر آن است تا بر اقیانوس های هند و آرام تسلط داشته باشد. اگر بندر گوادر در زمانی در آینده به پایگاه دریایی تبدیل شود، نیروی دریایی چین را قادر میسازد حضور دائمی خود را در دریای عرب و خلیج عمان تثبیت کند. اگر این طرح به نتیجه برسد زنگ خطر جدی برای آمریکا را به صدا درآورده است. لذا کاخ سفید از هر طریقی به دنبال به شکست کشاندن این طرح چینی ها است. با این اوصاف در حقیقت، هند مجبور به مبارزه در یک جنگ دو جانبه است. اما ایران در این میان می تواند ابتکار عمل را در دست بگیرد. اما این که چگونه از این ابتکار عمل استفاده کند و یا از چه طریق آن را عملیاتی کند، جای سوال دارد. برای تحقق این امر لازم است جمهوری اسلامی ایران کانونهای تصمیم گیری را متمرکز کند. یعنی با گردآوری بحث های کارشناسی، آرا و نظرات مختلف، در نهایت یک نهاد و یا یک ارگان خاص را مسئولیت تصمیم گیری ها کند. لذا تهران اکنون بیش از هر زمان دیگری به نگاه واقع بینانه و دقت عمل بیشتری نیازمند است. با این وصف اگر جمهوری اسلامی ایران به سمت همگرایی بندر چابهار با بندر گوادر و همکاری بیشتر با چینی ها گرایش پیدا کند دو امتیاز را به دست خواهد آورد؛ اول اینکه با کشیده شدن خط آهن مدنظر چینی ها از بندر گوادر به بندر چابهار، مناسبات اقتصادی ایران نیز افزایش پیدا خواهد کرد و از آن در قالب امتیاز دوم سو می توان نسبت به تکمیل خط لوله صلح گازی در پاکستان با سرمایه گذاری خود چینی ها امیدوار بود. در این راستا یک شرکت چینی رسماً عنوان کرده که حاضر است مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار برای تکمیل این خط لوله صلح سرمایه گذاری کند و از دو طرف ایران و پاکستان هم فعلاً پولی دریافت نخواهد کرد و بعد از درآمد حاصل از تکمیل این خط لوله صلح هزینه خود را برداشت خواهد کرد. پس مطلوب آن است که ما هم به فکر همراهی و همگرایی بیشتر با بندر گوادر باشیم تا این که مطابق با نگاه آمریکا و هندوستان رقابت بین بندر چابهار را با بندر گوادر افزایش دهیم.

